

رومن رولان

سفر درونی

ترجمه م. ا. به آذین

www.ketab.ir

انتشارات دوستان

سرشناسه	رولان، رومن، ۱۹۴۴-۱۸۶۶ م. Rolland, Romain
عنوان و نام پدیدآور	: سفر درونی/رومن رولان؛ ترجمه م. ا. به‌آذین.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات دوستان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۲ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۵-۶-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: Le voyage interieur. عنوان اصلی:
یادداشت	: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰ م.
موضوع	: French fiction -- 20th century
شناسه افزوده	: اعتمادزاده، محمود، ۱۲۹۳ - ۱۳۸۵، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۲۶۱۷PQ
رده‌بندی دیویی	: ۸۴۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۷۳۷۸۹
وضعیت رکورد	: فیبا

www.ketab.ir



انتشارات دوستان خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، پلاک ۳۳، تلفن: ۶۶۴۹۲۹۶۲

رومن رولان

سفر درونی

ترجمه م. ا. به‌آذین

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

چاپ: دوستان

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم بازیابی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

www.doostaan.ir

سایت:

doostanpub@yahoo.com

پست الکترونیکی:

www.belanbook.ir

فروش اینترنتی:

بخشی از این متن در ۲۴ و ۲۵ ژوئن ۱۹۲۴
در ویلنوو نوشته و در ۲ اوت ۱۹۴۰ به
هنگام اشغال فرانسه از سوی آلمانی‌ها در
ورژله از سر گرفته شد.

درآمد

در این روزگاران مصیبت بزرگ که ما از همان زمان پیروزی مستانه
(۱۹۱۸) دیده بودیمش که در کارآمدن است، در این روزهای تاخت و تاز
که فرانسه را در خود فرو می‌گیرد، محصور مانده در خانه‌ام در ورژله^۱ Vézelay،
جایی که از فراز دیوارهای بلند، در گذر پایان ناپذیر روزها و شبها، بر
جاده‌هایی که در دشت پهناور تا دورها کشیده شده‌اند، نگاهم انبوه ماتمزده
مردم سراسیمه گریزان را و سپس، در میان موجهای گرد و خاک در برابر آفتاب،
گردونه‌های سناخریب را شتابان در تعقیب‌شان دیده است، - در این شبهای
بیخوابی که غرش هزاران غول موتوریزه، تازان در این دواؤ به سوی پرتگاه،
بر گوش سرگشته‌ام یکریز می‌کوبیده - جان هوشمند که کشتگاهش اکنون به
ستم اشغال شده است، آشفته و کورمال راه بیرون شدی می‌جوید، رو به
آینده یا رو به گذشته.

اما زبان اکنون بویژه درباره آینده در بند است، زیرا فرمانروایان روز
برآنند که خود دراختیارش بگیرند، - چیزی که همواره آرزوی برنیامدنی
قدرتهای یکروزه بوده است. پس، برای ما، تنها گذشته می‌ماند، و قدرت
روز شتابی ندارد که با ما بر سر آن به دعوی برخیزد. این چیزها، برای کسانی
که گرد میز نشسته‌اند، پس مانده‌ها و ریخت‌وپاش ضیافت است. و مرا

۱. شهرکی در شمال بخش مرکزی فرانسه، اقامتگاه رومن رولان در سالهای پایانی زندگی. - م.
۲. Sennachérib شاه آشور در ۶۸۱-۷۰۵ پیش از میلاد. منظور از گردونه‌های سناخریب، اینجا، تانکهای ارتش هیتلر است. - م.

همین کفایت می‌کند. برای پیرمرد خوش حافظه‌ای چون من که در سفر دورودرازش هوش روشن‌یاب و نگاه تیزبین خود را از دست نداده، میدان روزهای دیروزین به اندازه کافی فراخ است. برای آن‌کس که دیدن می‌داند، هر دقیقه‌ای که از آن درست بهره‌برگیرد، جوهر هم آنچه بود و هم آنچه خواهد بود را در خود دارد. مگر نمی‌دانیم که کیهان ما، چنان که اینشتاین می‌گوید، همچون مار جاودانگی دم خود را به دندان می‌خاید؟ و اگر همه و هر کس بخواهند به این گفته بگرונند، می‌توان پنداشت که، در رابطه چشم و پرتو نورانی، پرتوی که رو به پیش روان گشته است از پشت به دید چشم خواهد آمد. پس، به آن پشت کنیم تا رودرویش داشته باشیم و ببینیمش که از ژرفنای شب کیهانی بدر می‌جهد!

من این روزگاران اسارت بزرگ را، نه در نوحه‌سرایی بر ویرانه‌ها و طلب مصرانه باریهای آسمانی، بل در گردآوری و آماربرداری دارایی‌های برهم انباشته‌مان صرف کرده‌ام. - دارایی‌هایی که هیچ دشمن پیروزگر نمی‌تواند از ما بریاید: یادمان‌های ما. همه میوه‌های پرمایه تجربه، خواه زنجها و خواه شادیها. و آنچه به خود من بازمی‌گردد، هفتاد سال زندگی که خواب قدرت پلکهایش را سنگین کرده است، (چه من از دودمانی هستم که کم می‌خواند) با حکایت این یادها، من ارتش ذخیره پریان نیکخواه - و شاید بدخواه را که امیدوار باشیم مصیبت بر سر عقل شان آورده باشد - از نوزنده می‌کنم و فرامی‌خوانم، - ارتشی که بیکارماندگی طولانی کم‌توان کرده اینک به پا می‌خیزد، آماده خدمت در راه سرنوشت نوین میهن: میهن دوگانه فرانسه و جهان.

من، همچون شهرزاد هزارویک‌شب، داستانی درازا درپیش گرفته‌ام. شما که شکیبایی نان کمتر از خلیفه است، هر چه را از آن که خود بخواهید گوش خواهید کرد.

۱. اثری که دست به نوشتن آن می‌برم، بر این شمار است:

۱- سفر درونی؛

۲- یک رشته کتاب خاطرات به رنگ زندگینامه؛

۳- یک تالار پرتره و یادمان.